

واکاوی عوامل نظامی - امنیتی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه

سید حمزه صفوی^۱

سید مهدی نبوی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و ششم - بهار ۱۳۹۹

چکیده

روابط نظامی - امنیتی ایران و ترکیه هیچ‌گاه هم‌وزن و هم‌پای روابط اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی میان دو کشور نبوده است. اما تحولات سال‌های اخیر در ارتش ترکیه، کودتای نافرجام در ترکیه و پشتیبانی ایران از دولت ترکیه، به‌همراه دیپلماسی فعال دفاعی ایران باعث شده است تا روند همکاری‌های نظامی اندکی تغییر کند. با توجه به اینکه آهنگ پرشتاب تغییرات روابط میان کشورها و عدم نگرش و درک درست از آینده روابط، موجب قرارگرفتن در جایگاه واکنش خواهد بود و نه کنش؛ این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که کدام عوامل نظامی - امنیتی بر آینده روابط ایران و ترکیه در افق ۱۰ ساله تأثیرگذارند؟ پژوهش به‌لحاظ ماهیت از نوع اکتشافی، از حیث هدف کاربردی است. در این پژوهش متغیرهای نظامی - امنیتی مؤثر بر آینده روابط دو کشور شناسایی شده، سپس بر اساس نظر خبرگان، عوامل اثرگذار بر روابط ایران و ترکیه مشخص شده و اهمیت و عدم قطعیت آنها معین گردید. همکاری نظامی ترکیه با امریکا، همکاری نظامی ترکیه با رژیم صهیونیستی، همکاری و اختلاف در بحران امنیتی سوریه و رقابت ایران و ترکیه در ترتیبات امنیتی قفقاز عوامل کلیدی نظامی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه هستند.

واژگان کلیدی

ایران؛ ترکیه، روابط نظامی - امنیتی؛ آینده‌پژوهی

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران safavi@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران sm.nabavi@ut.ac.ir

مقدمه

ایران و ترکیه هر دو از مهمترین بازیگران منطقه هستند. تعاملات این دو بازیگر به‌گونه‌ای است که گاهاً حتی تحولات منطقه از نوع روابط این دو کشور تأثیرپذیر است. نگاهی اجمالی به گذشته روابط ایران و ترکیه نشان می‌دهد که با وجود اهمیت راهبردی روابط میان دو کشور، این روابط تحت تأثیر عوامل مختلف، حالتی سینوسی داشته و پرفراز و نشیب بوده است.

پرواضح است که داشتن روابط مناسب با کشور همسایه و تأثیرگذار در منطقه می‌تواند نقش زیادی در امنیت و توسعه کشور داشته باشد. همچنین با توجه به تحولات سریع منطقه‌ای و تعارض منافع ایران با بازیگران عمده فرامنطقه‌ای و هم‌پیمانان منطقه‌ای آنان، کشور ما نیازمند به تقویت ائتلاف‌های تاکتیکی و راهبردی در منطقه بوده و ترکیه با توجه به ظرفیت‌های این کشور می‌تواند کاندیدای جدی برای این مسئله باشد. همچنین تعاملات دو کشور می‌تواند در سیاست‌های منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای ایران تأثیرگذار باشد. به‌طور مثال حضور ترکیه در برهه‌ای از زمان به‌عنوان میانجی در پرونده هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های جهانی و کمک در زمینه حل مشکلات بانکی در زمان تحریم در دوران مناسبات است.

نکته مهم دیگر در روابط ایران و ترکیه این است که روابط نظامی - امنیتی ایران و ترکیه پس از انقلاب اسلامی ایران هیچ‌گاه هم‌وزن و هم‌پای روابط اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی میان دو کشور نبوده است.

عمده همکاری‌ها تا سال ۱۳۹۶، همکاری‌های محدود نظامی دو کشور در خصوص امنیت مرزی با برگزاری جلسات مشترک مرزبانان و مبارزه با قاچاق و گاهاً همکاری درخصوص تهدیدات گروه‌های تجزیه‌طلب بوده است. زیرا به‌غیر از این موارد محدود، تهدید مشترک مهمی وجود نداشته است تا موجب نزدیکی دو کشور. شود از یک سو ایران وجود رژیم صهیونیستی، امریکا، و ائتلاف نظامی ناتو را تهدید خود می‌داند، و از سوی دیگر ترکیه دارای ارتشی با ساختار غربی و عضو مهمی از ناتو بوده و همکاری‌های نظامی با رژیم صهیونیستی و امریکا داشته است.

اما تحولات سال‌های اخیر در ارتش ترکیه، کودتای نافرجام در ترکیه و حمایت ایران از دولت این کشور، به‌همراه دیپلماسی فعال دفاعی ایران باعث شده است تا روند همکاری‌های نظامی اندکی تغییر کند. اگرچه هنوز چالش‌هایی نیز وجود دارد.



بیان مسئله

تعاملات مؤثر با همسایگان و دستیابی به موقعیت برتر در سیاست خارجی در منطقه، به‌ویژه نسبت به بازیگران هم‌تراز، نیازمند دستیابی به شناخت کافی از محیط مناسبات و عوامل مختلف مؤثر در روابط دو کشور در حال و آینده، داشتن تصویری از آینده‌های محتمل و نیز داشتن آمادگی و راهبرد برای احتمالات مختلف در روابط آینده است. در خصوص روابط میان ایران و ترکیه، نوسان روابط میان دو کشور باعث شده است که جمهوری اسلامی ایران نتواند آن‌چنان که باید و شاید از ظرفیت‌های این همسایگی راهبردی استفاده کند. بنابراین مطالعه عوامل مؤثر بر آینده روابط دو کشور امری ضروری است. از آنجا که یکی از مهمترین ابعاد روابط، بعد نظامی - امنیتی آن است، و در روابط میان ایران و ترکیه به این بعد کمتر پرداخته شده است، این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که کدام عوامل کلیدی نظامی - امنیتی بر آینده روابط ایران و ترکیه در افق ۱۰ ساله تأثیرگذارند؟

روش پژوهش

این پژوهش به‌لحاظ ماهیت، از نوع اکتشافی است؛ بنابراین امکان ارائه فرضیه ندارد. همچنین از حیث هدف کاربردی، از منظر داده‌های آن آمیخته، و در عین حال از منظر تجزیه و تحلیل داده‌ها همبستگی است. گردآوری داده‌ها به روش اسنادی شامل (روش کتابخانه‌ای، مراجعه به اسناد مکتوب، بهره‌برداری از صوت و تصویر، مراجعه به فضای مجازی) و نیز به روش میدانی (مصاحبه با کارشناسان، توزیع پرسشنامه) خواهد بود. ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری، پرسشنامه، ضبط صوت و اینترنت است.

در این پژوهش ابتدا بررسی روابط میان ایران و ترکیه انجام خواهد شد و متغیرهای نظامی - امنیتی مؤثر بر آینده روابط دو کشور شناسایی شده، سپس بر اساس نظر خبرگان، عوامل و موضوعاتی که اثرگذاری بر روابط ایران و ترکیه دارند مشخص می‌گردند. متغیرهایی که اثرگذاری آنها توسط خبرگان تأیید گردد به‌عنوان عوامل مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه خواهد بود. همچنین این پژوهش عوامل را از لحاظ اهمیت و عدم قطعیت نیز بررسی خواهد کرد تا پیش‌ران‌های نظامی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه مشخص شود. خبرگان مورد توجه این پژوهش در دو دسته افراد اجرایی و دانشگاهی قرار می‌گیرند. ویژگی‌های مدنظر خبرگان در این پژوهش عبارت است از:

- حداقل دارای مدرک کارشناسی ارشد باشند.

- خبرگان اجرایی که در ۱۰ سال گذشته دارای سابقه خدمت در ترکیه یا در زمینه



کارشناسی ترکیه در نهادهای مسئول در داخل کشور هستند.
 - خبرگان دانشگاهی که دارای تألیف برجسته در حوزه مسایل ترکیه بوده و حداقل سه مقاله یا کتاب داشته باشند.
 - به منظور تکمیل هرچه بهتر جامعه نمونه خبرگان، برای شناسایی خبرگان از روش گلوله برفی تا شناسایی خبرگان پر بسامد استفاده خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در مورد روابط میان ایران و ترکیه، کارهای پژوهشی متعددی انجام شده است، اما از یک سو غالب پژوهش‌های انجام شده رویکردی پسینی نسبت به مسایل میان ایران و ترکیه دارند. این پژوهش‌ها گرچه در نوبه خود بسیار ارزشمند هستند، اما باید توجه کرد که آهنگ پرشتاب تغییرات در پویایی روابط میان کشورها و عدم نگرش و درک درست از آینده روابط، موجب قرارگرفتن در جایگاه واکنش خواهد بود و نه کنش؛ از سوی دیگر عمده این کارها با مسائل سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی میان ایران و ترکیه مرتبط است، و در حوزه نظامی عمدتاً به مؤلفه‌های منفرد مانند تأثیر عضویت ترکیه در ناتو بر امنیت ملی ایران یا روابط نظامی ترکیه و رژیم صهیونیستی و... پرداخته شده و پژوهش‌هایی که به روابط نظامی ایران و ترکیه به طور مستقل پرداخته باشد بسیار اندک است. البته می‌توان به پژوهش‌های محدودی مانند مقاله مؤلفه‌ها و شاخصه‌های نظامی مؤثر بر روابط دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه تألیف سید یحیی صفوی و همکاران (۱۳۹۴) اشاره کرد. این مقاله شاخصه‌های نظامی مؤثر بر روابط دفاعی امنیتی دو کشور را بررسی می‌کند و از حیث شناخت متغیرهای نظامی با این پژوهش اشتراک دارد؛ اما برخلاف این پژوهش معطوف به آینده نیست، ضمناً تأثیر شاخصه‌های نظامی را صرفاً بر روابط دفاعی امنیتی بررسی می‌کند.

مبانی نظری

آینده پژوهی

در سال‌های اخیر، نگاه علمی به آینده و تلاش برای داشتن تصویری علمی از آن برای طرح‌ریزی راهبردی مناسب با تحولات آن، جای خود را در محافل علمی باز کرده و آینده پژوهی را به‌عنوان یک روش پذیرفته‌شده وارد مطالعات علمی کرده است. برای تصویرسازی از آینده‌های محتمل، یکی مهمترین روش‌ها در آینده‌پژوهی سناریونویسی است. پیتر شوارتز که از مشهورترین چهره‌های سناریونویسی است، هشت گام برای این



روش برمی‌شمارد: ۱. شناسایی موضوع یا تصمیم اصلی ۲. شناسایی عوامل و عناصر کلیدی ۳. شناسایی نیروهای کلیدی محیطی و پیش‌ران‌های تغییرات ۴. تحلیل و طبقه‌بندی نیروهای کلیدی محیطی بر اساس دو عامل "اهمیت" و "عدم قطعیت" ۵. منطبق‌دهی به سناریوها ۶. پربار کردن سناریوها ۷. مضمون‌ها ۸. انتخاب شاخص‌ها و علایم راهنما (شوارتز، ۱۳۸۶: ۲۱۱ - ۲۱۶). گام دوم این روش، یعنی شناسایی عوامل و عناصر کلیدی که کلیدی‌ترین مرحله در برنامه‌ریزی بر پایه سناریو است، به همراه گام سوم و چهارم، موضوع این مقاله است.

جایگاه نظریات روابط بین‌الملل در مطالعات آینده‌پژوهی

یکی از سؤالات اساسی که در رابطه با مبانی نظری در پژوهش‌های آینده‌پژوهی مطرح می‌شود، این است که چگونه می‌توان از نظریات روابط بین‌الملل در آینده‌پژوهی استفاده کرد؟ دو دسته دیدگاه کلی وجود دارد که در دو سوی مخالف طیف، برخی معتقدند که استفاده از نظریات در آینده‌پژوهی ممکن و گاه ضروری است و برخی دیگر استفاده از نظریات را ناممکن و یا محدودیت‌زا می‌دانند.

دسته اول معتقدند که چون آینده مبتنی بر گذشته و حال است می‌توان از نظریات استفاده نمود به این معنی که با نظریه‌ها می‌توان روند تحولات و تغییرات گذشته پدیده تحت بررسی را تبیین کرد و آنگاه به وسیله تغییر و تحول در آن مبانی و عوامل، تحولات در پدیده تحت بررسی (که در حال آینده‌نگری آن هستیم) را رصد و ترسیم نماییم. به سخن دیگر در تمامی روش‌های آینده‌نگری تحلیلگر باید با اتخاذ یک رویکرد و تئوری معین، عوامل مؤثر بر وضعیت کنونی پدیده تحت پیش‌بینی و چگونگی تغییر و جابجایی عوامل مؤثر در آینده را دریابد (حاجیان، ۱۳۹۱: ۲۱۴).

از سوی دیگر برخی معتقدند که آینده‌پژوهی را به واسطه ابتدای آن به تصورات، نگرش چرخشی به تاریخ (غیرخطی) و امکان ساخت آینده‌های بی‌شمار، ذیل مطالعات تفسیری تعریف می‌کنند. برخی از آینده‌پژوهان بر همین اساس، معتقدند استفاده از چهارچوب نظری و یا مفهومی (به‌عنوان ابزار تحلیل و تبیین) در مطالعات تفسیری غیرممکن است. به نظر می‌رسد البته راه سومی نیز وجود داشته باشد. آینده‌پژوهی رایج در روابط بین‌الملل عموماً امتداد حال به آینده‌ای نزدیک است و طی دو مرحله اکتشافی و هنجاری صورت می‌پذیرد. استفاده از چهارچوب نظری یا مفهومی در مرحله اکتشافی امکان‌پذیر است، اما نخست به دلیل راهبردهای استقرایی در مرحله اکتشافی (شامل استقرا از آینده‌های ممکن به آینده‌های محتمل در صورت کلی مرحله اکتشافی، استقرا از روندها و رویدادها به پیش‌ران‌ها و استقرا از پیش‌ران‌ها به آینده‌های محتمل در روند مرحله اکتشافی) و دوم

به دلیل گزینش‌گری چهارچوب نظری (گزینش در انتخاب آینده‌های ممکن و احصای روندها و رویدادها) محدودیت‌زا است. در این مرحله، آینده‌پژوه با ذهنیت نظری و نه چهارچوب نظری و مفهومی، طی مراحل به اکتشاف آینده‌های محتمل از انبوهی از آینده‌های ممکن می‌پردازد. اما در مرحله هنجاری، آینده‌پژوه با راهبردی قیاسی، از چهارچوب نظری در سناریوسازی و تجویز اقدامات استفاده می‌کند (موسوی نیا، ۱۳۹۸: ۱۵۸).

این پژوهش با اتخاذ رویکرد سوم، در مرحله اکتشافی خود را در چهارچوب نظری محدود نمی‌کند، برای داشتن ذهنیت نظری در این مرحله، و نیز تجویز در مرحله نتیجه‌گیری و پیشنهادات، از نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک بهره می‌برد.

واقع‌گرایی نئوکلاسیک

واقع‌گرایی به‌عنوان یک پارادایم شامل نظریه‌های مختلف می‌شود که همگی در مفروضه‌ها و اصول بنیادی درمورد امنیت مشترک هستند. نظریه‌های مختلف واقع‌گرا در چهارچوب امنیت ملی، امنیت را به‌صورت مضیق یک‌بعدی تعریف می‌کنند. این نظریه‌ها تنها هدف مرجع امنیت را دولت سرزمینی می‌دانند که باید امنیت آن در برابر تهدیدهای نظامی تأمین و تضمین شود. در یک نظام بین‌الملل آنارشیک و خودیار، هرچه قدرت نظامی و اقتصادی به‌عنوان پایه قدرت نظامی کشوری بیشتر باشد ضریب امنیت ملی آن نیز بیشتر خواهد بود. از این‌رو کشورها با تقویت و توسعه توان نظامی خود چه به‌صورت یک‌جانبه و چه از طریق تشکیل اتحادیه‌های نظامی تلاش می‌کنند از حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی خود در برابر تهدیدها و تهاجم‌های نظامی حفاظت و حراست کنند (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

واقع‌گرایی نئوکلاسیک عنوانی است که گیدئون رز به مجموعه‌ای از آثار در روابط بین‌الملل داده است که در تبیین سیاست خارجی و فراتر از آن، در توضیح روابط بین‌الملل، از بسیاری از بینش‌های واقع‌گرایی استفاده می‌کنند و بر آن هستند که "گستره و بلندپروازی سیاست خارجی هر کشوری در وهله نخست ناشی از جایگاه آن در نظام بین‌الملل و به‌ویژه توانمندی‌های آن در زمینه قدرت نظامی است". اما در عین حال تأکید دارند که تأثیر این توانمندی‌ها بر سیاست خارجی غیرمستقیم و پیچیده است، زیرا فشارهای نظام باید از طریق متغیرهای میانجی در سطح واحدها ترجمه شوند. به همین دلیل است که آنها نئوکلاسیک‌اند. توجه واقع‌گرایان نئوکلاسیک بیش از هرچیز به قدرت است و قدرت را نیز مانند نواقع‌گرایان بر اساس توانمندی تعریف می‌کنند. اغلب نئوکلاسیک‌ها برخلاف نواقع‌گرایان نه‌تنها به عوامل سطح نظام توجه دارند، بلکه بر آن



هستند که برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها نیز حائز اهمیت‌اند و به‌نوعی بر لزوم نگاه به سطوح مختلف تحلیل، تأکید دارند. آنها در عین حال که (مانند نواقح‌گرایان) آنارشی را مهم می‌دانند، بر بینش‌های واقع‌گرایی کلاسیک نیز تأکید می‌کنند و به همین دلیل آنها را نئوکلاسیک می‌خوانند. می‌توان دید که واقع‌گرایی نئوکلاسیک نیز مانند سایر شاخه‌های واقع‌گرایی یکپارچه نیست. در عین حال، رگه‌هایی از اشتراک در استدلال‌ها نیز در آنها به چشم می‌خورد. نئوکلاسیک‌ها را می‌توان بر اساس تقسیم‌بندی جک اسنایدر از واقع‌گرایی در دو مقولهٔ تهاجمی و تدافعی گنجانده. واقع‌گرایان تهاجمی چنین استدلال می‌کنند که آنارشی دولت‌ها را وادار می‌سازد قدرت (یا نفوذ) نسبی خود را به حداکثر برسانند. امنیت و بقا در درون نظام هرگز قطعی نیست و دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ امنیت خویش را به حداکثر برسانند. البته اکثر دولت‌ها همواره درگیر توسعه‌گرایی نامحدود نیستند و در مواردی که منافع این امر بیش از هزینه‌های آن باشد، به آن مبادرت می‌نمایند. می‌توان فرید زکریا و جان مرشایمر را مهمترین نظریه‌پردازان واقع‌گرایی تهاجمی دانست. واقع‌گرایان تدافعی نیز به رابطهٔ میان آنارشی و الزامات نظام بین‌الملل از یک سو، و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر، توجه دارند، اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بینند. فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی کم‌وبیش خوش‌خیم است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است. در نتیجه، دولت‌ها که این را در می‌یابند، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب تنها در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است. واقع‌گرایی تدافعی مبتنی بر چهار مفروضه است: ۱. معضل امنیت^۱ ۲. ساختار ظریف قدرت. ۳. برداشت‌های ذهنی رهبران. ۴. عرصهٔ سیاست داخلی. واقع‌گرایان تدافعی به امکان بروز شرایط جنگی با خصامه‌جویانه توجه دارند: در شرایطی که معضل امنیت وجود دارد، دولت‌هایی که واقعاً امنیت‌جو هستند ممکن است در مورد نیت یکدیگر دچار سوء تفاهم شوند و به خصومت با تعارض با هم برسند؛ دولت‌هایی هستند که به‌دنبال تجدیدنظر در وضعیت خود در نظام‌اند؛ و در شرایطی دولت‌ها در پی تأمین امنیت خود دست به توسعه‌طلبی می‌زنند (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۲۹ - ۱۳۴).

متغیرهای نظامی - امنیتی مؤثر در روابط ایران و ترکیه

همکاری اطلاعاتی و امنیتی و مرزی میان دو کشور

تحولات سال‌های اخیر در ماهیت ارتش ترکیه و حاکمیت دولت اسلام‌گرا در ترکیه شرایطی مثبت و ایجابی برای همکاری بین نیروهای مسلح ترکیه و جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده بود. با این حال خود اردوغان با توجه به اینکه تسلط لازم بر ارتش ترکیه نداشت به همین جهت ارتباط ارتش با ایران را با احتیاط مدیریت می‌کرد و تا حدودی رضایت نمی‌داد و اما تحولات بعد از کودتای نافرجام ارتش علیه دولت اردوغان و پس از آن فرصت‌سازی اردوغان برای مهندسی نوین ارتش با مشی و ایده خود باعث شد که تسلط دولت و شخص اردوغان بر ارتش تقویت و حتی نهادینه شود تا اینکه اردوغان نیز رضایت به توسعه روابط ارتش ترکیه با ایران را صادر کرد. اولین درخواست رسمی برای توسعه روابط نظامی بین ایران و ترکیه از طرف "خلوصی آکار" رئیس ستاد کل ارتش ترکیه برای ایران ارسال شد. طرف ایرانی نیز بنا به ملاحظات با تأخیر چندماهه پاسخ طرف ترک را داد؛ تا اینکه در مرداد ماه ۹۶ اولین سفر رسمی سرلشکر باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به ترکیه صورت گرفت و بعد از آن متعاقباً ۴۰ روز بعد از سفر طرف ایرانی خلوصی آکار با هیأت همراه به ایران سفر نمود. محورهای گفت‌وگو بین رؤسای ستاد کل نیروهای مسلح ایران و ترکیه به شرح ذیل بود:

۱. اتخاذ مواضع یکسان در مورد وحدت ارضی عراق و مخالفت با رفراندوم استقلال کردستان عراق.
۲. حمایت از یکپارچگی ارضی سوریه و حمایت از روند مانی را به پیشرفت مذاکرات آستانه تا رسیدن به صلح پایدار در سوریه.
۳. مبارزه با هر نوع پدیده تروریستی از جمله پ.ک.ک و پژاک
۴. تعمیق همکاری‌های اطلاعاتی بین دو کشور به توسعه و نهادینه کردن این همکاری‌ها در موضوعات مختلف
۵. همکاری‌های مرزبانی دو کشور برای کنترل مرزها از انواع قاچاق و ناامنی‌ها
۶. همکاری در حوزه صنایع نظامی و تسلیحاتی
۷. برگزاری رزمایش‌های مشترک بین نیروهای مسلح دو کشور و یا اعزام ناظر به رزمایش‌های همدیگر.
۸. همکاری در حوزه آموزشی و تحقیقاتی بین نیروهای مسلح دو کشور
۹. رفت‌وآمد ناوگان دریایی دو کشور به ساحل‌های کشور مقابل (خلیج فارس و دریای سیاه و دریای مدیترانه) (پژوهشکده امنیت ملی، ۱۳۹۶: ۳ - ۶).



شکل‌گیری و تقویت هویت سیاسی، نظامی و امنیتی محور مقاومت

یکی از متغیرهای دیگری که به نظر می‌رسد بر رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه اثرگذار است، شکل‌گیری هویت سیاسی، نظامی و امنیتی محور مقاومت است.

محور مقاومت پس از تحولات بیداری اسلامی و کشیده شدن بحران به سوریه به‌عنوان حلقه‌ای از زنجیره مقاومت، دچار چالش شد، اما با فائق آمدن بر این چالش دچار تحول افزایشی گردید. در نتیجه این تحولات، پیوستگی سوریه به محور مقاومت افزایش یافت؛ حزب‌الله لبنان از یک نیروی چریکی محدود به قواره یک ارتش قدرتمند کلاسیک با توان بازی منطقه‌ای درآمد؛ روسیه به‌عنوان همکار به محور مقاومت اضافه شد؛ همچنین تحول جدی در رویکرد ایران در رویارویی با رژیم صهیونیستی به‌وجود آمد و از حمایت نیروهای نیابتی به رویارویی مستقیم با رژیم صهیونیستی ارتقاء یافت. ایران اراده خود را به محور غربی - عبری - عربی تحمیل کرده و مانع سقوط دولت قانونی سوریه شد و همچنین توان ائتلاف‌سازی خود را نشان داد و با حضور انصارالله یمن، مقاومت اسلامی عراق و هسته‌های مقاومت در افغانستان و پاکستان، شبکه امنیتی مقاومت دارای صورت‌بندی جدیدی گردید (کوشکی و نبوی، ۱۳۹۸: ۵۹۷).

برایند این تحولات به تقویت هویت سیاسی، نظامی و امنیتی محور مقاومت منجر گردید.

به نظر می‌رسد آنکارا تسلط گروه‌های شیعه طرفدار ایران در عراق، حفظ قدرت توسط اسد در سوریه و حمایت ایران از حزب‌الله لبنان را تلاشی برای برقراری کمربندی از نفوذ ایران می‌بیند که تا مدیترانه کشیده می‌شود. آنکارا هراس دارد که این منابع نفوذ ممکن است منافع منطقه‌ای ترکیه را به خطر بیندازد (Dalay, 2018).

همکاری و اختلاف در مسئله کردها

مسئله کردی در روابط ایران و ترکیه، از آن دسته موضوعاتی است که دائماً در طیف همکاری و اختلاف در نوسان بوده است. در ذیل نگاهی به مهمترین موضوعات مرتبط در این خصوص داریم:

پ.ک.ک و پژاک

مسئله گروه‌های تروریستی پ.ک.ک و پژاک موضوع تنش و اختلاف و گاه همکاری بین ایران و ترکیه بوده است. در جریان دیدار اردوغان از ایران در ژوئیه ۲۰۰۴، موافقت‌نامه‌ای (یادداشت تفاهم) بین ایران و ترکیه امضا شد که بر اساس آن، دو کشور پ.ک.ک را سازمانی تروریستی قلمداد و کوشش‌های مستمری کردند تا از مرزهایشان در

مقابل اقدامات خراب‌کارانه این گروهک محافظت کنند (حسینی، ابراهیمی و شاه قلعه، ۱۳۹۱: ۱۴۷). در نتیجه این یادداشت تفاهم، فرماندهان نظامی دو کشور برای به اشتراک گذاردن اطلاعات در خصوص پ.ک.ک و پژاک، البته بیشتر در مورد مناطق مشترک مرزی ایران، ترکیه و عراق و همچنین اجتناب از درگیری‌های ناخواسته تصادفی میان نظامیان دو کشور با یکدیگر ملاقات‌هایی داشتند (H.Jenkins, 2012: 33).

در دیدار سال ۱۳۹۶ سرلشگر باقری از ترکیه نیز بر همکاری در خصوص مبارزه با پ.ک.ک و پژاک توافق شد. البته در عین همکاری دو کشور، در گذشته در مواردی نیز دو طرف یکدیگر را به حمایت پنهان از پ.ک.ک و پژاک متهم کرده‌اند و اختلاف‌نظر در این زمینه وجود داشته است.

کردستان عراق

به نظر می‌رسد که کردستان عراق ذاتاً یک منشأ اختلاف میان ترکیه و ایران است که به‌دنبال فرصتی برای حوزه نفوذ و کنترل وسیع‌تر هستند. این مسئله امروزه بیش از هرچیزی مشهود است. به‌خصوص وقتی اکثریت شیعه در عراق، منابع نفتی کردستان، افزایش قدرت پ.ک.ک در سه قسمت از کردستان، خودمختاری دوفاکتوی کردهای سوریه و آرمان‌های جنبش کردی برای استقلال در نظر گرفته شوند (Charounatki, 2018: 77). اما برخلاف این موضوع، در فاز امنیتی، یکی از مهمترین بحث‌های اخیر در خصوص مسئله کردی به‌خصوص کردستان عراق، همکاری ایران و ترکیه در خصوص موضوع رفراندوم سال ۱۳۹۶ در اقلیم کردستان عراق بود.

ایران و ترکیه هر دو بر سر این موضوع که نباید در شمال عراق کشور مستقل کردی تشکیل شود اشتراک نظر دارند. هر دو این موضوع را برخلاف مصالح امنیتی خود می‌بینند و در نهایت همکاری این دو کشور باعث شد تا موضوع استقلال کردستان عراق شکست بخورد. با این وجود کردستان عراق از آنجا که در حوزه نفوذ هر دو کشور است، همچنان یک موضوع همکاری و رقابت در میان ایران و ترکیه است.

کردستان سوریه

یکی از موضوعاتی که در نتیجه بحران سوریه به وجود آمد و مستقیماً بر امنیت ملی ترکیه تأثیر گذاشت، افزایش قدرت و کارایی پ.ک.ک در سوریه بود. این گروه کارزار تبلیغاتی وسیعی را در زمان حمله داعش به کوبانی آغاز کرد و شاخه سوری آن پ.ی.د، با حمایت کشورهای غربی به‌خصوص آمریکا هر روز مناطق بیشتری را در آن سوی مرز ترکیه



تحت کنترل خود درآورد. در ابتدای بحران پ.ی.د از سوی ایران و دولت سوریه حمایت می‌شد اما سپس به سمت غرب و امریکا حرکت کرد و پس از سقوط جنگنده روسیه، حمایت‌های زیادی را نیز از روسیه دریافت نمود (Uygur, 2017: 8).

مبارزه کردهای سوریه با داعش و حمایت‌های امریکا از آنها باعث قدرت‌یابی پ.ی.د و ی.پ.گ شده و موجب نگرانی ترکیه شد، که مرزهای طولانی با کردستان سوریه دارد و باعث شد تا ترکیه با انجام عملیات‌های نظامی سپر فرات و شاخه زیتون و چشمه صلح به دنبال ایجاد منطقه‌ای امن و تضعیف گروه‌های کردی در سوریه باشد. ترکیه قدرت گرفتن کردها در جنوب خود را موجب افزایش نگرانی‌های امنیتی از حملات پ.ک.ک و نیز با توجه به پیوستگی قومی در دو سوی مرز موجب احتمال تجزیه می‌داند، بنابراین با هرگونه قدرت‌یابی کردهای سوریه در نزدیکی مرزهای خود مخالف است.

ایران اما در رویارویی با کردستان سوریه به دنبال نزدیک‌تر کردن کردها با دولت سوریه و حضور ارتش سوریه در مناطق کردی بود که با مخالفت کردها روبه‌رو می‌شد. به نظر می‌رسد مسئله کردستان سوریه هم هم‌گرا کننده و هم واگرا کننده میان ایران و ترکیه است. از سویی روابط کردهای سوریه با امریکا و حضور آنها برای ایران در کردستان سوریه مطلوب نیست و در این خصوص میان ایران و ترکیه هم‌گرایی وجود دارد. اما از سوی دیگر کردستان سوریه و قدرت‌یابی آن می‌تواند مانعی برای ماجراجویی ترکیه در سوریه بر علیه دولت سوریه و گسترش نفوذ ترکیه باشد.

عضویت ترکیه در ناتو

ترکیه در سال ۱۹۵۲ به ناتو ملحق شد. دو سال بعد نیروهای خود را به جنگ کره فرستاد تا در کنار نیروهای امریکا و کره جنوبی بجنگند. از آن به بعد، ناتو سنگ بنای سیاست دفاعی و امنیتی ترکیه بوده است. علاوه بر این، ترکیه به‌عنوان کشوری که دارای دومین ارتش بزرگ در سازمان ناتو پس از امریکا است و از آنجا که ترکیه از لحاظ استراتژیکی بین بالکان، غرب آسیا، اوراسیا و قفقاز قرار گرفته و دارای موقعیت بسیار مهم و راهبردی است، در ناتو نیز جایگاه مهمی دارد (CIDOB, 2011: 241 - 242). بخشی از امکانات ناتو در خاک ترکیه است. به‌عنوان مثال، ترکیه میزبان فرماندهی نیروهای متحد در ازمیر، یک مرکز رادار به‌عنوان بخشی از پدافند موشکی ناتو، و همچنین یک مرکز آموزش نیروهای پاسدار صلح است که در سال ۱۹۹۸ تأسیس شده است. به‌طور خاص پایگاه هوایی اینجیرلیک که البته یک مرکز ناتو نیست بلکه در دسترس برای استفاده ناتوی امریکا بوده است و برای نیروهای هوایی در مبارزه با داعش مهم بوده است. در پی کودتا در ترکیه، این نگرانی وجود داشت که استفاده ناتو از این پایگاه ممنوع شود. این



اتفاق نیفتاده است، اما احساس ضدناتو و ضدامریکایی در ترکیه بسیار زیاد است (Griffiths, 2016 :2).

حضور ترکیه در ناتو برای ایران تبعاتی دارد که به صورت اجمالی عبارت است از:

۱. تهدید مرزهای ایران با توجه به استقرار سپر موشکی امریکا در ترکیه در حمایت و پشتیبانی از رژیم صهیونیستی؛
۲. تهدید کشورهای محور مقاومت با توجه به ایجاد ناامنی توسط حامیان تکفیری‌ها با توجه به حمایت کشورهای عضو ناتو از آنها؛
۳. حمایت و کمک به جریان مخالف جمهوری اسلامی ایران در سوریه و ایجاد ناامنی در منطقه با حمایت‌های کشورهای اروپایی و امریکا (عضو ناتو)؛
۴. تهدید ایران از مرزهای آذربایجان با توجه به روابط بسیار تنگاتنگ ترکیه و رژیم صهیونیستی و ناتو با این کشور (مظهری و بشارتی، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

البته اخیراً و با خرید سامانه اس ۴۰۰ روسی اختلافاتی میان ترکیه با اعضای ناتو پیش آمده است که همکاری‌هایشان را تحت تأثیر قرار داده است و باعث شد تا احتمال خروج خودخواسته ترکیه از ناتو، یا کاهش همکاری و انزوای ترکیه در ناتو مطرح شود. در صورتی که در آینده چنین اتفاقی بیفتند که ترکیه یا خودش خارج شود یا با انزوای کامل روبه‌رو شود، بر همکاری‌های نظامی ترکیه، دکترین نظامی این کشور، حضور سامانه‌ها و نیروهای ناتو در این کشور و... تأثیرگذار خواهد بود و بر روابط ایران و ترکیه نیز تأثیر خواهد گذاشت.

البته به نظر می‌رسد خروج ترکیه از ناتو از احتمال بسیار اندکی برخوردار باشد و در ناتو باقی خواهد ماند. ابراهیم متقی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران معتقد است ترکیه در ناتو باقی خواهد ماند؛ چون ترکیه چکش تعادل هم در اروپا و هم در غرب آسیا است (متقی، ۱۳۹۹).

همکاری نظامی ترکیه با روسیه

همکاری‌های امنیتی منطقه‌ای با روسیه و دستیابی به سلاح‌های روسی اغلب توسط جامعه راهبردی ترکیه مورد مناقشه است. در حالی که اولی فعالیت‌های مهم ضد تروریستی مرزی آنکارا را در سوریه (عملیات سپر فرات و عملیات زیتون) فعال کرده است، دومی، به‌ویژه در بخش تسلیحات راهبردی، مسئله پیچیده‌تری است که به‌ناچار آنکارا را با محافل ناتو دچار مشکل می‌کند. از دید سیاسی - نظامی، تقریباً راهی برای همکاری نظامی ترکیه و روسیه وجود ندارد که باعث واکنش ناتو نشود (Kasapoğlu, 2019: 1).

یکی از مهمترین جنبه‌های همکاری نظامی ترکیه با روسیه خرید سامانه اس ۴۰۰



است. همانطور که پیشتر گفته شد، نیاز ترکیه به سامانه‌های دفاع هوایی و خودداری آمریکا از فروش پاتریوت به ترکیه و نزدیکتر شدن روابط ترکیه با روسیه به خرید و استقرار سامانه‌های دفاع هوایی اس ۴۰۰ از روسیه منجر گردید. البته به لحاظ راهبردی خرید این سامانه‌ها تأثیر چندانی در روابط راهبردی ایران و ترکیه ندارد. کما اینکه ایران واکنشی هم به این خرید نداشت (برعکس زمانی که به خبر استقرار سامانه‌های ناتو واکنش نشان داد). تأثیر مثبت همکاری نظامی ترکیه با روسیه این است که با توجه به استقرار سامانه‌های اس ۳۰۰ در ایران و اس ۴۰۰ در ترکیه و پیشنهاد فروش اس ۳۰۰ توسط روسیه به عراق، وجود سامانه‌های پدافندی مشابه می‌تواند زمینه همکاری نظامی نیز به وجود آورد. به نظر می‌رسد هرچه همکاری نظامی ترکیه با روسیه بیشتر شود، موجب تنش در روابط نظامی ترکیه با ناتو خواهد شد و واگرایی ترکیه با ناتو به نفع جمهوری اسلامی ایران است. یک نکته احتمالی هم در مورد این سامانه‌ها مطرح می‌شود این است که ممکن است با توجه به روابط روسیه و ترکیه با رژیم صهیونیستی، اطلاعات راداری جمع‌آوری شده توسط این سامانه در اختیار رژیم صهیونیستی قرار گیرد.

همکاری نظامی ترکیه با آمریکا

ترکیه و آمریکا، هر دو عضو پیمان ناتو هستند و سابقه سال‌ها همکاری راهبردی نظامی دارند. آمریکا دو پایگاه نظامی مهم در ترکیه دارد. پایگاه اینجیرلیک، که کلاهک‌های هسته‌ای آمریکا در آنجا مستقر است، و پایگاه کوره جیک که پایگاهی راداری است. ترکیه همچنین عضو پروژه اف ۳۵ آمریکا بود. در موضوع کردهای سوریه و ایجاد منطقه حایل نیز ترکیه و آمریکا همکاری نزدیکی در قالب گشت‌های مشترک داشتند. اما با خودداری آمریکا از تحویل پاتریوت به ترکیه و خرید اس ۴۰۰ روسی، تنش در روابط ترکیه و آمریکا افزایش یافت و آمریکا ترکیه را تهدید به اخراج از پروژه اف ۳۵ نمود. با توجه به مشکلات ایران و آمریکا، به نظر می‌رسد هرچه واگرایی و تنش در روابط نظامی ترکیه و آمریکا بیشتر باشد به نفع ایران است. در مقابل همکاری نزدیک‌تر نظامی این دو کشور به خصوص در مسائل منطقه‌ای مانند سوریه به ضرر ایران خواهد بود.

همکاری نظامی ترکیه با رژیم صهیونیستی

شالوده روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی بر پایه روابط نظامی بنیان نهاده شده است. سفر بن گوریون در ۲۹ آگوست ۱۹۵۸ به ترکیه و دیدار وی با عدنان مندرس نخست‌وزیر وقت ترکیه موجب انعقاد پیمانی شد که روابط میان نظامیان را برقرار کرد. از جمله همکاری‌های نظامی میان رژیم صهیونیستی و ترکیه می‌توان به پشتیبانی پنهانی رژیم صهیونیستی از امور نظامی و اطلاعاتی ترکیه و امضای موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی

میان ترکیه و رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۹۳ و موافقت‌نامه واگذاری ۵۴ فروند فانтом «اف - ۴» در آگوست ۱۹۹۶ اشاره کرد.

در ژانویه سال ۱۹۹۸، ترکیه و رژیم صهیونیستی با مشارکت امریکا اولین مانور نظامی مشترک خود را در سواحل رژیم اشغالگر قدس برگزار کردند و در دسامبر ۱۹۹۹ دومین مانور مشترک را دوباره با مشارکت امریکا در سواحل ترکیه اجرا کردند. فروش تجهیزات نظامی یکی دیگر از جنبه‌های مهم همکاری‌های امنیتی ترکیه و رژیم صهیونیستی بود. آنها موافقت کردند که موشک پیشرفته هوا به زمین "پوپای ۱۲" را تولید کنند. ترکیه ۵۰ فروند موشک "پوپای ۱۱" را برای هواپیماهای اف ۴ خود خریداری کرده بود. قرارداد موشک‌های "پوپای دو" شامل کنسرسیومی با دو شرکت ترکیه‌ای برای تولید نسخه کوچک‌تری از پوپای یک و با فناوری پیشرفته‌تر بود. همچنین درمورد تولید مشترک موشک‌های ضد موشک "پیکان ۳۲" و تانک‌های مرکاوا ۳ توسعه‌یافته توسط رژیم صهیونیستی برای ارتقاء تانک‌های M60 ترکیه و نیز یک تفنگ تهاجمی را برای جایگزینی ژ ۳ ترکیه بحث و گفت‌وگوهای مداوم انجام شد (Gökçe, 2012: 60). در واقع نیاز ترکیه به مدرن‌سازی ارتش خود موجب افزایش همکاری میان صنایع نظامی ترکیه و رژیم صهیونیستی شد که به‌نوبه خود بر سایر بخش‌ها نیز تأثیر می‌گذاشت.

اما در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم دو موضوع باعث تغییر در این روند شد. اول، چگونگی واکنش مردم و دولت ترکیه به تکرار حمله‌های نظامی رژیم صهیونیستی به کرانه باختری و نوار غزه در انتفاضه دوم، نشانگر یک تغییر عمیق بود. بحث در مورد این اقدامات و اصرار رژیم صهیونیستی برای شهرک‌سازی، از مرزهای احزاب سیاسی در ترکیه عبور کرد و مورد استقبال عموم مردم قرار گرفت. دوم پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات ترکیه و تغییر در توازن میان ارتش و دولت بود. به عبارت دیگر جدایی بین ترکیه و رژیم صهیونیستی نتیجه تغییر منشور امنیتی و سیاست خارجی دولت ترکیه و ناتوانی رژیم صهیونیستی در حل مناقشات خود با فلسطینی‌ها بود. این عوامل بر همکاری راهبردی، نظامی و همچنین همکاری در صنعت دفاعی تأثیر گذاشت. همچنین همکاری‌ها در صنعت دفاعی به پایان رسید؛ زیرا رژیم صهیونیستی در معاملات اسلحه تجدید نظر کرد و دولت ترکیه به این نتیجه رسید که صنعت دفاعی داخلی آن به اندازه کافی بالغ شده است که بتواند نیازهای فعلی و آینده ارتش ترکیه را به‌طور مستقل تأمین کند (Berelovich, 2014: 620 - 622).

1. Popeye II
2. Popeye I
3. Arrow II



اگرچه سطح روابط نظامی رژیم صهیونیستی با ترکیه کمافی‌السابق نیست و کاهش محسوسی داشته است، اما به هر حال هرگونه روابط نظامی به‌خصوص در بخش‌های اطلاعاتی به ضرر جمهوری اسلامی ایران است و اگر در آینده این روابط ارتقاء یابد بر امنیت ملی ایران تأثیر منفی خواهد داشت و برعکس هرچه شکاف میان ترکیه و رژیم صهیونیستی بیشتر شود به نفع ایران خواهد بود.

همکاری و اختلاف در بحران امنیتی سوریه

شاید بتوان بحران سوریه را مهمترین عرصه رقابت قدرتها و بازیگران منطقه‌ای و حتی فرمانطقه‌ای و جهانی دانست. جمهوری اسلامی ایران و ترکیه نیز از این وضعیت مستثنی نبودند و موضوع سوریه تبدیل به جدی‌ترین عرصه رقابت و اختلاف میان دو کشور گردید. از ابتدای بحران، ایران سیاست رسمی خود را حمایت از دولت قانونی سوریه اعلام کرد و از تمام ابزارهای نظامی و سیاسی خود برای تثبیت دولت قانونی سوریه و حفظ زنجیره مقاومت استفاده کرد. حضور ایران در سوریه برای حفظ منافع راهبردی دور امنیتی بود. سوریه عقبه پشتیبانی ایران از جبهه مقاومت به‌ویژه حزب‌الله لبنان است، به‌خصوص اینکه پشتیبانی از طریق فرودگاه بیروت امکان‌پذیر نیست (نوعی اقدام، ۱۳۹۸).

بنابراین ایران از ابتدای بحران سوریه سیاست نسبتاً ثابتی را در خصوص سوریه داشت. ترکیه اما رویکردهای متفاوتی داشته است. رویکرد اول ترکیه، میانجی‌گری در تحولات سوریه بود که در صورت موفقیت می‌توانست باعث افزایش نفوذ ترکیه در سوریه و افزایش عمق راهبردی ترکیه شود. سپس هنگامی که اخوانی‌ها سوار بر موج تحولات در منطقه شدند، ترکیه در تلاش برای سوارشدن بر این موج و ایجاد کمربند اخوانی در منطقه بود. یعنی اگر حکومتی مورد خواست این کشور در سوریه بر سر کار آید (نظیر آنچه در مصر و لیبی اتفاق افتاده بود) سوریه به منزله حیات خلوت ترکیه عمل کرده و مرزهای راهبردی ترکیه از حلب به درعا (مرز اردن) افزایش می‌یابد. ترکیه در رویکرد سوم خود در پازل و محور غربی برای کنترل و مهار ایران و محور مقاومت قرار گرفت. رقابت در صحنه سوریه و رقابت راهبردی مدل‌های حکومتی میان ترکیه و غرب در مهار ایران و محور مقاومت همگرایی منافع ایجاد نمود. از این‌رو ترکیه با بازی در پازل غرب به دنبال مهار ایران و محور مقاومت و گسترش عمق راهبردی بود (صفوی و نبوی، ۱۳۹۵: ۱۳۴).

اما برخلاف تصورات ترکیه، تحولات نه تنها به سمت سقوط اسد پیش نرفت، بلکه وضعیت میدانی به نفع دولت سوریه تثبیت شد، حضور و نفوذ ایران قوی‌تر شد، و ترکیه خود را در موقعیتی دید که امنیت مرزهای جنوبی‌اش در حال تهدید است و بیش از سه میلیون آواره سوری را نیز پذیرا شده است. نتیجه شکست در سیاست‌های اولیه باعث شد

تا ترکیه از رویکرد خود در اینکه اسد باید برود تجدید نظر کرده و به فرایندهای مختلف برای حل بحران سوریه بپیوندد. البته این همکاری به معنای عدم وجود رقابت و اختلاف نظر میان دو کشور در صحنه سوریه نیست. ترکیه اگرچه در رویکرد خود تغییراتی به وجود آورده است اما همچنان با دولت بشار اسد مشکلات جدی دارد، با حضور نظامی خود در شمال سوریه بخشهایی از خاک آن کشور را به اشغال خود درآورده است که در چانه‌زنی‌های احتمالی آینده ممکن است تأثیر گذار باشد، در موضوعاتی مانند وضعیت کردها، حمایت از شبه نظامیان اسلام‌گرا و همچنین ارتش به اصطلاح ملی سوریه، وضعیت ادلب و... با ایران و سوریه اختلاف دارد. بنابراین به‌رغم همکاری تاکتیکی رقابت راهبردی در سوریه و نفوذ بیشتر در این منطقه همچنان بر سر جای خود باقی است.

رقابت ایران و ترکیه در ترتیبات امنیتی قفقاز

رقابت ایران و ترکیه در قفقاز با اینکه جنبه‌های فرهنگی - اقتصادی هم دارد اما بعد اصلی آن ترتیبات امنیتی بوده است. در این منطقه الگوهای مختلفی شکل گرفته است. اولین الگویی که شکل گرفت ایران - ارمنستان - یونان در برابر آذربایجان - ترکیه - رژیم صهیونیستی یا الگوی ایران - ارمنستان - روسیه در برابر ترکیه - آذربایجان - آمریکا بوده که در هر دوی آنها، ما در مقابل ترکیه قرار گرفته بودیم. در حال حاضر نیز در ترتیبات امنیتی قفقاز نگاه ترکیه به ما ایجابی نیست. در طرح‌های مورد نظر آنها هم در حال حاضر هم ۲+۳ است. یعنی ترکیه و روسیه به‌همراه سه کشور قفقاز بوده و بعضاً قدرت‌های فرامنطقه‌ای آمریکا و اتحادیه اروپا هم هست. یعنی ایران جایی در طرح‌های مدنظر ترکیه ندارد (فلاح، ۱۳۹۸).

تلاش برای گسترش حضور نظامی ترکیه در منطقه

یکی از متغیرهای دیگر نظامی که می‌تواند بر روابط ایران و ترکیه تأثیرگذار باشد، تلاش ترکیه برای گسترش حضور نظامی در منطقه است. گسترش پایگاه‌های نظامی ترکیه از چند جنبه برای ایران اهمیت دارد، اول امکان جمع‌آوری اطلاعات نظامی علیه ایران است که با توجه به عضویت ترکیه در ناتو اهمیت دارد. نکته بعدی گسترش حضور سخت ترکیه در منطقه و افزایش توان چانه‌زنی ترکیه در معادلات منطقه‌ای است. نمونه‌های زیر در این چهارچوب قابل بررسی است.

ترکیه به بهانه مبارزه با پ.ک.ک در سال‌های اخیر بارها به شمال عراق حمله نظامی کرده و علاوه بر افزایش تعداد پایگاه‌ها، استعداد نیروهای نظامی خود در این منطقه را گسترش داده است. طبق آمار رسمی و غیررسمی در حال حاضر تعداد نیروهای ارتش ترکیه در شمال عراق بیش از ۳ هزار نفر است. بعد از ورود تروریست‌های داعش به عراق و



اشغال بخشی از این کشور در سال ۲۰۱۴، ترکیه بیش از ۱۲۰۰ نفر از نیروهای خود را به بعشيقه منتقل کرد که اعتراضات داخلی و خارجی فراوانی در پی داشت. همچنین ارتش ترکیه در سال ۲۰۱۸ با پیشروی ۳۰ کیلومتری در اقلیم کردستان عراق نیروهای ویژه خود را وارد روستاهای برمیز و شاپان در منطقه سیدکان و برادوست کرد. طبق آمارهای منتشر شده تعداد پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی ترکیه که در مناطق تحت کنترل دولت محلی اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق ایجاد شده است به بیش از ۱۹ پایگاه می‌رسد که از این بین ۱۵ پایگاه نظامی و ۴ پایگاه دیگر اطلاعاتی است (سایت تحولات جهان اسلام، ۱۳۹۷).

اما موضوع حضور ترکیه در شمال عراق صرف بحث مبارزه با گروه‌های کردی نیست. یکی از اهداف ترکیه از ورود به شمال عراق موضوع منابع غنی نفتی است. ترکیه به لحاظ منابع انرژی محدودیت داشته و وابسته به واردات انرژی است. شمال عراق نیز به لحاظ نفتی غنی است.

نکته دیگر بحث حضور ترکن‌ها است. ترکیه خود را مدافع حقوق ترکن‌های موصل و کرکوک می‌داند و این مباحث به خصوص در زمان حمله داعش به شمال عراق بسیار پررنگ شد. بنابراین بحث‌های هویتی را نیز می‌توان از جمله انگیزه‌های حضور ترکیه در شمال عراق دانست.

در واکنش به این رویکرد ترکیه، نه دولت اقلیم و نه دولت فدرال، تمایل و تصمیمی برای فشار بر آنکارا ندارند. چه اینکه هر کدام از آنها مطلوبیت‌ها و اولویت‌های متفاوتی را در روابط با ترکیه دنبال می‌کنند. اختلافات عمیق جریان‌های کرد اقلیم با پ.ک.ک و کنشگری محدود دولت شکننده در بغداد، می‌تواند از علت‌های متفاوت طرفین برای عدم واکنش جدی به آنکارا باشد. مراودات تجاری گسترده با ترکیه نیز البته فصل مشترک اربیل و بغداد در این عدم کنشگری است. در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران اگر چه توان کنشگری محدودی برای ترغیب اربیل یا بغداد به واکنش دارد، اما تداوم وضعیت فعلی و افزایش نفوذ ترکیه در مناطق شمالی عراق و تبدیل آن به حقی مسلم برای آنکارا، می‌تواند چالش‌هایی برای منافع ایران در عراق به دنبال داشته باشد (وفایی فرد، ۱۳۹۸: ۱۶).

مبحث دیگر احداث پایگاه نظامی ترکیه در قطر است. توافق برای احداث پایگاه نظامی ترکیه در قطر در سال ۲۰۱۴ امضا شد. این توافق در حالی صورت گرفت که روابط ترکیه و قطر به بالاترین سطح روابط سیاسی، اقتصادی و انرژی خود رسید (Aras and Akpinar, 2017: 4). در راستای تقویت روابط ترکیه و قطر اولین بار در سال ۲۰۱۵ ترکیه حدود ۹۰ نفر نیروی نظامی به قطر اعزام کرد.

بحران خلیج فارس و تحریم قطر توسط عربستان و متحدانش در سال ۲۰۱۷ باعث شد تا فرصتی ویژه برای ترکیه به منظور گسترش همکاری نظامی با قطر به وجود بیاید. در تاریخ ۷ ژوئن ۲۰۱۷، از طریق یک جلسه فوری قانونی، پارلمان ترکیه لایحه دفاع دوجانبه‌ای را که قبلاً با قطر امضا کرده بود، تصویب کرد. این مهم‌ترین و ملموس‌ترین اقدام آنکارا در بحران خلیج فارس بود (Vagneur-Jones and Kasapoglu, 2017).

حضور نیروی نظامی و پایگاه نظامی ترکیه در قطر می‌تواند به تعمیق نفوذ و بازیگری ترکیه در منطقه خلیج فارس منجر شده و همچنین جمع‌آوری اطلاعات علیه ایران می‌تواند انجام شود.

احداث پایگاه نظامی در قطر با برنامه دیگری برای تأسیس پایگاه نظامی در سومالی و اخیراً در سودان همراه شده است. ترکیه قصد دارد یک دژ نظامی از خلیج عدن تا خلیج فارس و دریای سرخ را ایجاد کند و ادعای خود را مبنی بر این‌که ترکیه نقش موثری در امنیت این جغرافیای مهم دارد، تثبیت کند. چنین نقش سیاست خارجی می‌تواند به دور نگه داشتن توجه از مشکلات ترکیه در همسایگی خود به سمت گشایش روابط ترکیه به سمت آفریقا و روابط راهبردی در خلیج فارس کمک کند (Aras and Yorulmazlar, 2018: 7).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این پژوهش ابتدا متغیرهای نظامی - امنیتی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه بررسی شد. این متغیرها در قالب پرسشنامه به قضاوت ۳۵ نفر از خبرگان گذاشته شد تا اولاً مشخص شود که آیا هر یک از متغیرها بر آینده روابط ایران و ترکیه اثرگذارند؟ در صورت اثرگذاری میزان اهمیت و عدم قطعیت آنها چقدر است؟ برای اندازه‌گیری اهمیت و عدم قطعیت از طیف لیکرت از (خیلی زیاد تا خیلی کم) استفاده شد. جدول ۱ متغیرهای نظامی - امنیتی مؤثر و نیز نتایج پرسشنامه را نشان می‌دهد. برای روایی پرسشنامه از ضریب لاوشه (CVR) استفاده شد. برای ۳۵ خبره هر یک از گویه‌ها که بیشتر از ۰/۳۱ باشد تأیید می‌شود. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود روایی تمام گویه‌ها تأیید شد. بررسی پایایی پرسشنامه نیز با محاسبه آلفای کرونباخ توسط نرم‌افزار SPSS انجام شد و ۰/۹۰۶ به دست آمد. آلفای بیشتر از ۰/۷ قابل قبول است. برای تحلیل داده‌ها از روش IPA استفاده شد که برای بررسی اهمیت و عملکرد است. در این روش از میانگین هندسی برای یکپارچه‌سازی نظر خبرگان استفاده می‌شود و میانگین هندسی هر یک از متغیرها محاسبه می‌شود. سپس مقدار ارزش آستانه (میانگین حسابی میانگین‌های هندسی



متغیرها) محاسبه می‌شود و عواملی که میانگین هندسی اهمیت و عدم قطعیت آنها بیشتر از ارزش آستانه باشد پیش‌ران‌های نظامی در آینده روابط ایران و ترکیه هستند.

جدول ۱. متغیرهای مؤثر بر روابط ایران و ترکیه

ردیف	شناسه گویه	متغیر	CVR (ضریب لاوشه)	میانگین هندسی اهمیت	میانگین هندسی عدم قطعیت
۱	S1	همکاری اطلاعاتی و امنیتی و مرزی	۰,۹۴	۳,۴۷	۲,۳۹
۲	S2	شکل‌گیری و تقویت هویت سیاسی، نظامی و امنیتی محور مقاومت	۰,۷۷	۳,۴۴	۳,۳۷
۳	S3	همکاری و اختلاف در مسئله پ.ک.ک و پژاک	۱	۴,۰۲	۲,۶۱
۴	S4	رقابت و همکاری در کردستان عراق	۰,۹۴	۳,۶۸	۲,۷۴
۵	S5	رقابت و همکاری در کردستان سوریه	۰,۸۸	۳,۴۶	۲,۷۸
۶	S6	عضویت ترکیه در ناتو	۰,۵۴	۳,۱۴	۲,۳۵
۷	S7	همکاری نظامی ترکیه با روسیه	۰,۷۷	۳,۳۶	۳,۱۰
۸	S8	همکاری نظامی ترکیه با امریکا	۰,۷۷	۳,۶۸	۲,۹۵
۹	S9	همکاری نظامی ترکیه با رژیم صهیونیستی	۰,۷۷	۳,۷۱	۳,۱۹
۱۰	S10	همکاری و اختلاف در بحران امنیتی سوریه	۰,۹۴	۳,۹۹	۳,۴۳
۱۱	S11	رقابت ایران و ترکیه در ترتیبات امنیتی قفقاز	۰,۶۵	۳,۷۰	۲,۹۶
۱۲	S12	گسترش حضور نظامی ترکیه در منطقه	۰,۸۸	۳,۱۹	۲,۸۰
ارزش آستانه					
گویه‌های بیشتر از ارزش آستانه					
S3-S4-S8-S9-S10-S11					اهمیت
S2-S7- S8-S9-S10-S11					عدم قطعیت

همان‌طور که در جدول قابل مشاهده است، اثرگذاری تمامی متغیرهای بررسی شده، مورد تأیید خبرگان قرار گرفته است و جزء عوامل نظامی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه هستند. تمامی گویه‌ها اهمیت بیشتر از ۳ (زیاد) دارند. شش گویه دارای اهمیت بیشتر از ارزش آستانه هستند و در میان آنها دو عامل همکاری و اختلاف در مسئله پ.ک.ک و پژاک و همکاری و اختلاف در بحران امنیتی سوریه بیشترین اهمیت را دارند. شش گویه نیز عدم قطعیت بیشتر از ارزش آستانه دارند و در میان آنها شکل‌گیری و تقویت هویت سیاسی، نظامی و امنیتی محور مقاومت، همکاری و اختلاف در بحران امنیتی سوریه دارای بیشترین عدم قطعیت هستند.



نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با ذهنیت نظری برگرفته از واقع‌گرایی نئوکلاسیک به بررسی عوامل مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه بپردازیم. خواندیم که واقع‌گرایان نئوکلاسیک معتقدند که گستره و بلندپروازی سیاست خارجی هر کشوری در وهله نخست ناشی از جایگاه آن در نظام بین‌الملل و به‌ویژه توانمندی‌های آن در زمینه قدرت نظامی است و در عین حال تأکید دارند که تأثیر این توانمندی‌ها بر سیاست خارجی غیرمستقیم و پیچیده است. همچنین به‌نظر واقع‌گرایان تهاجمی امنیت و بقا در درون نظام هرگز قطعی نیست و دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ، امنیت خویش را به حداکثر برسانند. در این پژوهش به بررسی متغیرهای نظامی - امنیتی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه پرداخته شد و تأیید گردید که عوامل نظامی همگی دارای اهمیت زیاد در روابط ایران ترکیه هستند. شش گویه دارای اهمیت بیشتر از ارزش آستانه و شش گویه نیز دارای عدم قطعیت بیشتر از ارزش آستانه هستند. در تحلیل هم‌زمان میزان اهمیت و عدم قطعیت، چهار گویه مشترک وجود دارد:

- همکاری نظامی ترکیه با امریکا

- همکاری نظامی ترکیه با رژیم صهیونیستی

- همکاری و اختلاف در بحران امنیتی سوریه

- رقابت ایران و ترکیه در ترتیبات امنیتی قفقاز

این چهارگویه، عوامل کلیدی نظامی - امنیتی مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه هستند. تلاش ایران و ترکیه برای بیشینه‌سازی امنیت با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ موجب رقابت امنیتی در سوریه و قفقاز (واقع‌گرایی تهاجمی) شده است و به نظر می‌رسد که در آینده نیز همچنان بر روابط دو کشور تأثیرگذار خواهد بود. همچنین تلاش ترکیه برای ارتقای جایگاه خود در نظام بین‌الملل و توانمندسازی خود در زمینه قدرت نظامی اگر به نزدیکی ترکیه به رژیم صهیونیستی و امریکا منجر شود بر روابط ایران و ترکیه تأثیر منفی خواهد گذاشت.

در نهایت پیشنهاد می‌شود، ایران با تقویت دیپلماسی دفاعی و فاصله گرفتن از رویکرد محتاطانه در همکاری‌های نظامی نسبت به ترکیه، همکاری‌های خود با ترکیه از سطح فعالیت‌های اطلاعاتی و مرزی مشترک به همکاری‌های نظامی مانند تمرینات مشترک و نیز همکاری‌های نهادی و صنایع نظامی افزایش دهد و این مهم می‌تواند در چهارچوب روابط نظامی دوجانبه و نیز رژیم امنیتی سه جانبه میان ایران - ترکیه - روسیه باشد تا از نزدیکی بیش از پیش ترکیه به امریکا و رژیم صهیونیستی جلوگیری کند. در بحران سوریه، با



همکاری مشترک دستگاه سیاست خارجی و نیروهای مسلح، تلاش گردد تا با همکاری با ارتش سوریه، ترکیه اقناع گردد تا در مرزهای خود امنیت مرزی را تأمین نماید. در منطقه امنیتی قفقاز، تلاش شود تا ایران وارد ترتیبات امنیتی مشترک با ترکیه و روسیه شود و از تقویت محور امریکا - ترکیه - آذربایجان - رژیم صهیونیستی جلوگیری شود.

منابع

- پژوهشکده امنیت ملی (۱۳۹۶)، تحلیل راهبردی روابط ایران و ترکیه، نمای راهبردی، سال پانزدهم، ش ۳۹، ۱ - ۱۲.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، مبانی اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- حسینی، سیده مطهره، ابراهیمی، طالب، شاه قلعه، صفی‌الله (۱۳۹۱)، عملکرد خاورمیانه‌ای حزب عدالت و توسعه، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ش ۵۱، ۱۲۹ - ۱۵۶.
- دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال (۱۳۹۵)، کلیات روابط بین‌الملل، تهران: مخاطب.
- سایت تحولات جهان اسلام (۱۳۹۷)، قابل دسترسی در: <http://iswnews.com/17271>
- شوارتز، پیتر (۱۳۸۶)، هنر دورنگری: برنامه‌ریزی برای آینده در دنیای عدم قطعیت، ترجمه عزیز علیزاده، تهران: مؤسسه آموزش و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- صفوی، سید حمزه؛ نبوی، سید مهدی (۱۳۹۵)، رفتارشناسی ترکیه در قبال تحولات سوریه در پرتو دکترین عمق استراتژیک، فصلنامه سیاست دفاعی، دوره ۲۴، ش ۲، ۱۱۹ - ۱۳۴.
- صفوی، سید یحیی، حاتمی، حمیدرضا، مرادپان، محسن (۱۳۹۴)، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های نظامی مؤثر بر روابط دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، فصلنامه سیاست دفاعی، دوره ۲۳، ش ۹۲، ۹۵ - ۱۲۴.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۸)، متغیرهای مؤثر بر روابط ایران و ترکیه، مصاحبه با نگارنده، ۱۱ دی.
- کوشکی، محمدصادق، نبوی، سیدمهدی (۱۳۹۸)، آینده جبهه مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی، در فلسطین از نهر تا بحر: مجموعه مقالات اجتماعی سیاسی قدس و فلسطین، قم: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی، پژوهشگاه مطالعات تقریبی، ۵۷۷ - ۶۰۳.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۹)، متغیرهای مؤثر بر آینده روابط ایران و ترکیه، مصاحبه با نگارنده.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل چاپ ششم، تهران:

سمت

- مظهری، علیرضا، بشارتی، محمدرضا (۱۳۹۳)، عضویت ترکیه در ناتو و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ش ۷۶، ۱۱۹ - ۱۴۶.
- موسوی نیا، سیدرضا (۱۳۹۸)، آینده‌پژوهی (الگوی امتداد حال) و کاربست نظریه‌های روابط بین‌الملل، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره یازده، ش ۱، ۱۵۶ - ۱۷۷.
- نوعی اقدم، رحیم (۱۳۹۸)، رقابت ایران و ترکیه در سوریه، مصاحبه با نگارنده.
- وفایی فرد، فرهاد (۱۳۹۸)، حضور نظامی ترکیه در شمال عراق؛ انگیزه‌ها و پیامدها، تهران: اندیشکده راهبردی تبیین، قابل دسترسی در: <http://tabyincenter.ir/33067>
- Aras, Bulent, Emirhan Yorulmazlar. Turkey Iran and the Gulf Crisis. HSF Policy Brief, Humanitarian Studies Foundation, 2018, 1-12.
- Aras, Bulent, Pinar Akpınar. Turkish Foreign Policy and the Qatar Crisis. Istanbul: Istanbul Policy Center, 2017. yal. "Turkish-Israeli Military Relations and security Cooperation." Report, 2014: 616-624.
- Charounatki, Mariana. Iran and Turkey, International and Regional Engagement in the MiddleEast. New York: I.B.Tauris & Co. Ltd, 2018.
- CIDOB. "Defence and Security Policy of the Turkish Republic." in CIDOB International Yearbook 2011, CIDOB. Barcelona, 2011.
- Dalay, Galip. "Turkey in the Middle East's new battle lines." Brookings. 20 may 2018. <https://www.brookings.edu/opinions/the-middle-east-s-new-battle-lines/>.
- Gökçe, Onur. "The Dynamics of Turkish-Israeli Relations." All Azimuth: A Journal of Foreign Policy and Peace, 2012: 55-68.
- Griffiths, Ann. The Trouble(s) with Turkey: Turkey and NATO. Calgary: Centre for the Study of Security and Development, 2016.
- H.Jenkins, Gareth. Occasional Allies, Enduring Rivals: Turkey's Relations with Iran. Washington: Johns Hopkins University, Central Asia-Caucasus Institute & Silk Road Studies Program, 2012.
- Kasapoğlu, Can. Turkish-Russian Defense Cooperation: Political-Military Scopes, Prospects and Limits. Istanbul: The Centre for Economics and Foreign Policy Studies (EDAM), 2019.
- Uygur, Hakki. A New Era in Turkish-Iranian Relations. Istanbul: Al Sharq Forum, 2017.
- Vagneur-Jones, Antoine, Can Kasapoglu. Bridging the Gulf: Turkey's forward base in Qatar. Paris: Fondation pour la recherche, 2017.

